

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



دانشگاه پیام نور

دانشکده: واحد پرند

پایان نامه

برای دریافت درجه کارشناسی ارشد

در رشته: جامعه‌شناسی

گروه علمی: علوم انسانی

عنوان پایان نامه:

تحلیلی بر عوامل فرهنگی - اجتماعی مؤثر بر نابرابری جنسیتی

(موارد مطالعه زنان متأهل ۴۹-۲۰ سال شهر اصفهان)

استاد راهنما:

آقای دکتر وحید قاسمی

استاد مشاور:

آقای دکتر احمد بخارایی

پژوهشگر:

رباب اصلانی

آبان ماه ۱۳۸۹

شماره :

تاریخ :

پیوست :



دانشگاه پیام نور

دانشگاه پیام نور استان تهران



جمهوری اسلامی ایران
وزارت علوم، تحقیقات و فناوری

صور تجلسه‌ی دفاع از پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد

جلسه دفاع از پایان‌نامه کارشناسی ارشد خانم اکرمه ریاب اصلانی دانشجوی رشته حافظه‌شناسی

تحت عنوان:

تحلیلی بر عوامل فرهنگی - اجتماعی موثر بر نابرابری جنسیتی
(مورد مطالعه زنان متأهل ۲۵-۳۹ ساله شهر اصفهان)

جلسه دفاع با حضور داوران نامبرده ذیل در روز پنجشنبه ۱۸/۰۲/۸۹ ساعت ۱۰-۱۲ در محل ساختمان

تحصیلات تکمیلی برگزار شد و پس از بررسی پایان‌نامه مذکور با نمره به عدد ۱۹/۵ به حروف نوزده و نیم و با

درجه عالی مورد قبول واقع شد نشد

اعضاء هیات داوران:

ردیف	سمت	نام و نام خانوادگی	مرتبه علمی	امضاء
۱	استاد راهنما	وسیه قاسمی	استاد	
۲	استاد مشاور	احمد نجاری		
۳	استاد مشاور			
۴	استاد داور	پروانه دانش	استاد	
۵	استاد داور			
۶	نماینده تحصیلات تکمیلی	منابع صلی		

پایان‌نامه نیاز به اصلاحات دارد ندارد

تقدیم به:

پدر و مادر عزیزم که همواره لطف و مهربانیشان بدرقه راهم بوده است

همسر فهیم و بردبارم که درسختی های زندگی و فراز و نشیب
تحصیل همواره یار و همراهم بوده است .

و تقدیم به فرزند عزیزتر از جانم زهرا ، که شیرین ترین لحظات
کودکی اش با سختی تحصیل من همراه گشت و معصومانه در این
سختی ها با من سهیم شد .

پاسگزارى

سپاس آفریدگار سبحان را که فرصت و توان سلوک در تعلیم علم را به این بنده درگاهش عنایت فرمود و تقدیر شایسته ای برایم رقم زد تا از محضر اساتید گرانقدر بهره جسته و نهال اندیشه ام را با تکیه بر دانش و تجربه این عزیزان به بار نشانم .

حرمت دیرینه شعله های دانش این وظیفه را برعهده ی حقیر می گذارد که وامدار فرزانه گانی باشم که در نهایت بزرگواری موجبات هدایت و تعلیم اینجانب را فراهم نمودند .

وظیفه شاگردی خود می دانم که از زحمات و مساعدتهای بی دریغ استاد گرانقدر و بزرگوارم جناب آقای دکتر وحید قاسمی که با راهنمایی عالمانه ایشان این کار به انجام رسید تشکر و قدر دانی نمایم .

استاد محترم مشاور جناب آقای دکتر احمد بخارایی زحمات بی دریغ و بی منت شما، صادقانه ترین هدیه ای بود که در طول انجام این تحقیق از محضر استاد ارجمندم دریافت نمودم .

خواهر عزیزم ، الهه جان از زحمات صادقانه و بی منت شما در تمام مراحل زندگی و تحصیل، مخصوصاً در انجام این تحقیق بی نهایت سپاسگزارم .

چکیده

تحقیق حاضر با هدف تحلیل عوامل فرهنگی - اجتماعی موثر بر نابرابری جنسیتی ، انجام شده است که متغیرهایی مثل ایدئولوژی مرد سالاری ، باورهای قالبی جنسیتی ، جامعه پذیری جنسیتی و... مورد بررسی قرار گرفته اند. در این بررسی ، روش پژوهش پیمایش است و داده ها با پرسشنامه گرد آوری شد. جامعه آماری این تحقیق زنان متأهل ۲۰-۴۹ سال شهر اصفهان است که ۳۸۵ نفر از آنان با استفاده از فرمول کوکران به عنوان نمونه انتخاب شده اند. روش نمونه گیری در این پژوهش سهمیه ای است و با استفاده از نرم افزار Spss و با بکار گیری آزمون های آماری نتایج زیر بدست آمد:

- ۱- میزان نابرابری جنسیتی بخصوص در ابعاد اقتصادی و فرهنگی به نفع مردان است.
- ۲- بین عقاید قالبی جنسیتی و نابرابری جنسیتی رابطه وجود ندارد.
- ۳- بین پایبندی به ایدئولوژی مرد سالاری و نابرابری جنسیتی رابطه وجود ندارد.
- ۴- بین شیوه جامعه پذیری جنسیتی و نابرابری جنسیتی رابطه وجود دارد.

واژگان کلیدی: نابرابری جنسیتی ، عقاید قالبی جنسیتی ، جامعه پذیری جنسیتی ، ایدئولوژی مرد سالاری.

فهرست مطالب

صفحه

عنوان

فصل اول : کلیات

۱-۱- مقدمه	۱
بیان مساله	۲
۳-۱- سوالات تحقیق	۶
۴-۱- اهمیت موضوع	۶
۵-۱- اهداف تحقیق	۸

فصل دوم: مبانی نظری

۱-۲- پیشینه تحقیق	۹
۲-۱-۱- پیشینه داخلی	۹
۲-۱-۲- پیشینه خارجی	۲۰
۳-۱-۲- نقد و بررسی پیشینه تحقیق	۲۷
۲-۲- دیدگاه های نظری	۳۳
۱-۲-۲- جامعه پذیری جنسیتی	۳۳
۲-۱-۲-۱- رویکرد روانشناختی	۳۳
۲-۱-۲-۲- نظریه شناختی مبتنی بر رشد	۳۴
۲-۱-۲-۲- نظریه یادگیری اجتماعی	۳۵
۳-۱-۲-۲- نظریه روان کاوی	۳۶
۲-۱-۲-۲- رویکرد جامعه شناختی	۳۷
۱-۲-۱-۲-۲- کارکرد گرایی ساختی	۳۷
۲-۲-۱-۲-۲- نظریه کنش متقابل نمادین	۴۱
۲-۲-۲- باورهای قالبی	۴۴
۱-۲-۲-۲- نظریه لیپمن	۴۴
۲-۲-۲-۲- نظریه دواکس	۴۵
۳-۲-۲-۲- نظریه هینتون	۴۷
۴-۲-۲-۲- نظریه ایگلی	۵۰
۳-۲-۲-۲- ایدئولوژی جنسیتی	۵۲
۱-۳-۲-۲- ایدئولوژی جنس گرایی	۵۲
۲-۳-۲-۲- ایدئولوژی مرد سالاری	۵۳
۳-۳-۲-۲- نظریه کیت میلر	۵۷
۴-۲-۲-۲- نابرابری جنسیتی	۵۹

۶۰ دیدگاه‌های مربوط به جنسیت..... ۱-۴-۲-۲
۶۴ رویکرد روان شناختی در خصوص نابرابری جنسیتی..... ۲-۴-۲-۲
۶۷ رویکرد جامعه شناختی در خصوص نابرابری جنسیتی..... ۳-۴-۲-۲
۶۸ نظریه قشر بندی جنسیتی جانت سالتزمن چافتز..... ۱-۳-۴-۲-۲
۷۱ فمینیسم..... ۲-۳-۴-۲-۲
۷۴ نابرابری جنسیتی از دیدگاه پیر بورديو..... ۳-۳-۴-۲-۲
۸۲ چارچوب نظری..... ۵-۲-۲

فصل سوم: روش‌شناسی تحقیق

۹۱ روش تحقیق..... ۱-۳
۹۱ تکنیک جمع‌آوری اطلاعات..... ۲-۳
۹۲ جامعه آماری..... ۳-۳
۹۲ واحد تحلیل..... ۴-۳
۹۲ حجم نمونه..... ۵-۳
۹۲ روش نمونه‌گیری..... ۶-۳
۹۴ تعریف عملیاتی متغیر وابسته..... ۷-۳
۹۷ تعریف عملیاتی متغیرهای مستقل..... ۸-۳
۱۰۲ اعتبار ابزار گردآوری اطلاعات..... ۹-۳
۱۰۲ پایایی تحقیق..... ۱۰-۳
۱۰۳ روش تجزیه و تحلیل داده‌ها..... ۱۱-۳

فصل چهارم: تجزیه و تحلیل داده‌های تحقیق

۱۰۵ مقدمه..... ۱-۴
۱۰۶ آمار توصیفی..... ۲-۴
۱۰۶ منطقه محل سکونت..... ۱-۲-۴
۱۰۸ تحصیلات پاسخگو..... ۲-۲-۴
۱۰۹ تحصیلات همسر..... ۳-۲-۴
۱۱۱ شغل پاسخگو..... ۴-۲-۴
۱۱۳ جامعه پذیری جنسیتی..... ۶-۲-۴
۱۱۴ عقاید قالبی جنسیتی..... ۷-۲-۴
۱۱۵ مرد سالاری..... ۸-۲-۴

۱۱۶ سرمایه اقتصادی..... ۹-۲-۴
۱۱۷ سرمایه فرهنگی..... ۱۰-۲-۴
۱۱۹ سرمایه اجتماعی..... ۱۱-۲-۴
۱۲۰ سرمایه نمادین..... ۱۲-۲-۴
۱۲۲ نابرابری جنسیتی..... ۱۳-۲-۴
۱۲۴ تحلیل استنباطی یافته ها..... ۳-۴
۱۲۴ بررسی رابطه ی عقاید قالبی جنسیتی و نابرابری..... ۱-۳-۴
۱۲۶ بررسی رابطه پایبندی به ایدئولوژی مرد سالاری و نابرابری..... ۲-۳-۴
۱۲۷ شیوه جامعه پذیری جنسیتی و نابرابری جنسیتی..... ۳-۳-۴
۱۳۰ رابطه منطقه محل سکونت و نابرابری جنسیتی..... ۴-۳-۴
۱۳۱ بررسی رابطه تحصیلات پاسخگو و نابرابری جنسیتی..... ۵-۳-۴
۱۳۳ بررسی رابطه تحصیلات همسر و نابرابری جنسیتی..... ۶-۳-۴
۱۳۴ ضریب همبستگی پیرسون..... ۷-۳-۴

فصل پنجم: نتیجه گیری و ارائه پیشنهادات

۱۳۵ مقدمه..... ۱-۵
۱۳۵ نتیجه گیری..... ۲-۵
۱۳۸ پیشنهادات..... ۳-۵

منابع و مأخذ

۱۳۹ منابع فارسی.....
۱۴۳ منابع انگلیسی.....
۱۴۶ پیوست.....

فهرست جداول

صفحه

عنوان

جدول ۳-۱-	بر آورد حجم نمونه برحسب گروههای سنی به تفکیک مناطق یازده گانه شهر اصفهان (محاسبه شده بر اساس سرشماری سال ۱۳۸۵.....	۹۳
جدول ۳-۲-	مولفه های سرمایه اقتصادی	۹۴
جدول ۳-۳-	مولفه های سرمایه اجتماعی	۹۵
جدول ۳-۴-	گویه های سرمایه نمادین.....	۹۶
جدول ۳-۵-	مولفه های سرمایه فرهنگی.....	۹۷
جدول ۳-۶-	گویه های سنجش عقاید قالبی جنسیتی	۹۸
جدول ۳-۷-	گویه های ایدئولوژی مرد سالاری	۱۰۰
جدول ۳-۸-	گویه های جامعه پذیری جنسیتی	۱۰۱
جدول ۳-۹-	نتایج ضریب آلفا.....	۱۰۳
جدول ۴-۱-	توزیع فراوانی پاسخگویان بر حسب منطقه.....	۱۰۶
جدول ۴-۲-	توزیع فراوانی پاسخگویان بر حسب تحصیلات پاسخگو.....	۱۰۸
جدول ۴-۳-	توزیع فراوانی پاسخگویان بر حسب تحصیلات همسر.....	۱۰۹
جدول ۴-۴-	توزیع فراوانی پاسخگویان بر حسب شغل پاسخگو.....	۱۱۱
جدول ۴-۶-	توزیع فراوانی آماره های جامعه پذیری جنسیتی	۱۱۳
جدول ۴-۷-	توزیع فراوانی آماره های عقاید قالبی جنسیتی	۱۱۴
جدول ۴-۸-	توزیع فراوانی آماره های مرد سالاری	۱۱۵
جدول ۴-۹-	توزیع فراوانی آماره های سرمایه اقتصادی.....	۱۱۶
جدول ۴-۱۰-	توزیع فراوانی آماره های سرمایه فرهنگی.....	۱۱۷
جدول ۴-۱۱-	توزیع فراوانی آماره های سرمایه اجتماعی	۱۱۹
جدول ۴-۱۲-	توزیع فراوانی گویه های سرمایه نمادین.....	۱۲۰
جدول ۴-۱۳-	توزیع فراوانی پاسخگویان بر حسب نمره کل آنها از طیف نابرابری جنسیتی	۱۲۲
جدول ۴-۱۴-	رگرسیون ساده برای سنجش اثر شدت عقاید قالبی جنسیتی بر میزان نابرابری جنسیتی.....	۱۲۴
جدول ۴-۱۵-	رگرسیون ساده برای سنجش اثر ایدئولوژی مرد سالاری بر میزان نابرابری جنسیتی.....	۱۲۶
جدول ۴-۱۶-	رگرسیون ساده برای سنجش اثر شیوه جامعه پذیری جنسیتی بر میزان نابرابری جنسیتی	۱۲۸
جدول ۴-۱۷-	آماره میانگین نابرابری جنسیتی بر حسب منطقه محل سکونت.....	۱۳۰
جدول ۴-۸-	خروجی آزمون تحلیل واریانس برای مقایسه میانگین نابرابری جنسیتی در مناطق مختلف.....	۱۳۱
جدول ۴-۱۹-	آماره میانگین نابرابری جنسیتی بر حسب تحصیلات پاسخگو.....	۱۳۱

عنوان

صفحه

- جدول ۴-۲۰- خروجی آزمون تحلیل وار یانس برای مقایسه میانگین بر حسب تحصیلات پاسخگو..... ۱۳۲
- جدول ۴-۲۱- آماره میانگین نابرابری جنسیتی بر حسب تحصیلات همسر..... ۱۳۳
- جدول ۴-۲۲- خروجی آزمون تحلیل وار یانس برای مقایسه میانگین نابرابری جنسیتی بر حسب تحصیلات همسر..... ۱۳۴
- جدول ۴-۲۳- ضریب همبستگی پیرسون..... ۱۳۴

فهرست نمودارها

صفحه	عنوان
۷۰	شکل شماره ۱-۲- عناصر مفهومی نظریه قشر بندی چافتز.....
۸۸	شکل شماره ۲-۲- همپوشانی مولفه های ذهنی نظریه بوردیو و چافتز.....
۸۸	شکل شماره ۳-۲- مدل تحلیلی نابرابری جنسیتی مبتنی بر نظریه چافتز و بوردیو.....
۹۰	شکل شماره ۴-۲- مدل نظری تحقیق.....
۱۰۷	شکل شماره ۱-۴- توزیع فراوانی پاسخگویان بر حسب منطقه.....
۱۰۸	شکل شماره ۲-۴- توزیع فراوانی پاسخگویان بر حسب تحصیلات پاسخگو.....
۱۱۰	شکل شماره ۳-۴- توزیع فراوانی پاسخگویان بر حسب تحصیلات همسر.....
۱۱۱	شکل شماره ۴-۴- توزیع فراوانی پاسخگویان بر حسب شغل پاسخگو.....
۱۱۲	شکل شماره ۵-۴- توزیع فراوانی پاسخگویان بر حسب شغل همسر.....
۱۲۱	شکل شماره ۶-۴- توزیع فراوانی پاسخگویان بر حسب سرمایه نمادین.....
	شکل شماره ۷-۴- نمودار پراکندگی ترکیب خطی متغیر عقاید قالبی جنسیتی و نابرابری جنسیتی.....
۱۲۵	شکل شماره ۸-۴- نمودار پراکندگی ترکیب خطی متغیر ایدئولوژی مرد سالاری و نابرابری جنسیتی.....
۱۲۷	شکل شماره ۹-۴- نمودار پراکندگی ترکیب خطی متغیر جامعه پذیری جنسیتی و نابرابری جنسیتی.....
۱۲۹	شکل شماره ۱۰-۴- نمودار پراکندگی ترکیب خطی متغیر سرمایه نمادین و نابرابری جنسیتی.....

فصل اول :

کلیات

۱-۱- مقدمه

نابرابری و در پی آن لایه بندی، یکی از همه گیرترین و کهن ترین پدیده هایی است که جامعه ی بشری همواره با آن روبرو بوده است. تفاوت بین اعضای یک جامعه پهنه ای بسیار گسترده دارد که از ویژگیهای طبیعی آغاز می شود و به ویژگیهای اقتصادی- اجتماعی پایان می یابد. اگر در جامعه ای، ویژگیهای طبیعی افراد بر پایه ی ملاکهای فرهنگی- اجتماعی ارزیابی شود بر این اساس، برخی ویژگیها ارزشمند و بقیه بی ارزش تلقی گردد، یا حتی اگر برخورداری از برخی ویژگیهای طبیعی موجب دستیابی به موقعیتهای مطلوب در جامعه شود، تفاوت طبیعی به نابرابری اجتماعی تبدیل می شود.

امروزه یکی از مباحث مهم نابرابری ها، مسأله نابرابری جنسی است که در سطوح مختلف جهانی مورد بررسی و بحث است، زیرا مشخص شده که زنان به دلیل جنسیت خود از پیشرفت های اجتماعی دور نگه داشته می شوند. خانواده ها چه آگاهانه یا نا آگاهانه برای دختر و پسر خود حقوق مساوی قائل نیستند و آنها را مانند یکدیگر تربیت نمی کنند به این ترتیب پایه های تفاوت های جنسی در خانواده گذاشته می شود.

خانواده، مدرسه، دوستان و وسایل ارتباط جمعی در جامعه پذیری جنسیتی فعالیت می کنند و به ما باورهایی را در زمینه ی معنای اجتماعی مرد و زن یا اندیشیدن و رفتار نمودن به شیوه های مردانه یا زنانه انتقال می دهند لیکن از بین این عوامل، خانواده به عنوان یک کارگزار غیر رسمی اولیه و در عین حال پر اهمیت ترین منبع اعمال تبعیض جنسی در جامعه پذیری قلمداد می شود.

به طور کلی جریان اجتماعی شدن و جامعه پذیری به جا افتادن ارزش ها و مهارت ها در فرد اشاره دارد تا اشخاصی که نقش های اجتماعی را اشغال می کنند معرفت کافی بیابند به این که چه چیزی از آن ها انتظار می رود و چگونه باید عمل کنند. اگر جامعه پذیری در این شکل تحقق یابد بدیهی است که کنش هایی که در نقش خاصی انجام می گیرد ضمن آن که متأثر از ارزش های عاملان کنش است، با رفتار اشخاص دیگر که تحت تأثیر ارزش در شخص آن هاست، نیز همساز

است. این همسازی تحمیلی نیست، بلکه به محض این که مردم با الگوهای اساسی ارزش که به نحو منظمی با کالبد اجتماعی منظم هستند آشنا شده، آن ها را به کار گرفتند، کنش خود را بر آن ها بنا می کنند.

ریشه ی بسیاری از نابرابری های جنسی در فرایند جامعه پذیری جنسیت قرار دارد که از بدو تولد آغاز می گردد. هر رفتاری اعم از طرز برخورد، لباس پوشیدن، یا انتظارات از یک کودک یک ساله بسته به پسر یا دختر بودن تفاوت دارد. از کودکی مهندس یا پلیس بودن و رفتن به سربازی را برای دختران عجیب و دور از واقعیت می پنداریم و انتخاب شغل پرستاری و مراقبت از کودکان را برای مردان مایه افت و خنده دار تلقی می کنیم. اینها همه نقش های قالبی شده است و روشن است که تمامی این عقاید در طی فرایند جامعه پذیری، از طریق کارگزاران جامعه، بخصوص خانواده به کودکان آموزش داده می شود.

بنابر این می توان گفت: باورهای قالبی موجود در جامعه در خصوص ویژگیها، شرایط، نقاط ضعف و نقاط قوت زن و مرد به همراه ایدئولوژی مردسالاری که در بردارنده ی مفهوم تفوق واستیلا ی مردان است سعی دارد زنان را به رفتارهای خدماتی در قبال مردان مقید نماید، از طریق فرایند جامعه پذیری جنسیت همواره در حال تولید و باز تولید است.

در پژوهش حاضر سعی می شود ضمن بهره جویی از نظریات فمینیستی مرتبط با جامعه پذیری جنسیتی، ایدئولوژی مردسالاری و باورهای قالبی جنسیتی، به بررسی موضوع نابرابری جنسیتی پرداخته شود.

۲-۱- بیان مسئله

جنسیت یکی از مقولات بسیار مهمی است که باعث ایجاد قشر بندی در کلیه جوامع می شود. بر اساس این مقوله جمعیت انسانی به دو گروه زنان و مردان تقسیم می گردد. باورهای فرهنگی نسبت به موضوع جنسیت یکی از ویژگی های اجتماعی - فرهنگی جوامع تلقی می شود و از این حیث شباهت زیادی به موضوع نابرابری جنسیتی دارد. هر دو مقوله ی فوق را

می‌توان به عنوان معیاری برای تفکیک جوامع از جهت مرد گرایی - زن گرایی و یا سنتی - مدرن به کار برد. این نوع باور ها و شیوه ی رفتار عینی در مورد زنان پیوند عمیقی با ویژگی های گوناگون حوزه های اجتماعی ، فرهنگی ، سیاسی و اقتصادی دارد. بی تردید شکل باورهای فرهنگی در مورد زنان و اعمال نابرابری در مورد زنان به عنوان نیمی از جمعیت جامعه ، تمامی کنش ها ، فرآیند و ساختارهای اجتماعی را در سطوح خرد و کلان تحت تأثیر قرار می دهد. به عبارتی باورهای فرهنگی نسبت به زنان و در معنای عام تر آن، مقوله ی جنسیت می تواند نشانگر چگونگی وضعیت دیگر شاخص های اجتماعی ، اقتصادی و فرهنگی جامعه از جمله وضعیت عینی و واقعی زنان در عرصه ی زندگی جمعی باشد.

نابرابری جنسیتی واقعی اجتماعی در هر برهه ای از تاریخ بشری بوده ، هرگونه رفتار، زبان ، سیاست و یا سایر کنش هایی که نشان دهنده ی دیدگاه ثابت ، فراگیر و نهادینه شده ی اعضای جامعه نسبت به زنان به عنوان موجوداتی فرودست باشد ، به معنای نابرابری جنسیتی می باشد. اما آیا این نابرابری امری طبیعی است ، یا اجتماعی و ساخته ی فرهنگ جوامع بشری؟ اگر این نابرابری ساخته ی اجتماع است ، چگونه و طی چه فرآیندهایی شکل می گیرد؟

در توسعه انسانی و توسعه پایدار توجه به رشد و ارتقای همه جانبه تک تک اعضای جامعه لازم و حتمی است. از این رو در برنامه های توسعه به کاهش نابرابری جنسیتی توجه می شود. نابرابری جنسیتی شرایطی است که در آن یک جنس (معمولاً زنان) در وضعیت فرودستی قرار می گیرد و از بسیاری امکانات ، مواهب و شرایط رشد و تعالی محروم می ماند. اگر باور داشته باشیم که نابرابری عینی با پیش زمینه های شناختی - ذهنی ایجاد می شود. برای کاهش نابرابری جنسیتی راهی جز شناخت و تغییر شرایط شناختی - ذهنی باقی نمی ماند. بهره مندی نابرابر زنان و مردان از امکانات و شرایط توسعه ، نشان می دهد که توسعه واقعی رخ نداده است. اما معمولاً در اکثر جوامع یک بستر فرهنگی - اجتماعی وجود دارد که این نابرابری را توجیه می نماید. این بستر که زمینه شناختی - ذهنی را فراهم می کند از نظر جامعه شناسی بسیار مهم است. چرا که تغییر در وضعیت عینی (کاهش

نابرابری) بدون دست زدن به لایه های زیرین آن یعنی باور هایی که کارکرد مشروعیت دهی به نظام نابرابر جنسیتی را دارند ، اگر نگوئیم بی فایده است حد اقل باید گفت هزینه های بسیار زیادی را به جامعه تحمیل خواهد کرد.

جامعه شناسان معتقدند، اگر تقسیم کار در سطح کلان یک جامعه جنسیت یافته باشد و کارها بر اساس جنس افراد تعریف و توزیع شوند، مردان منابعی بیش از زنان کسب می کنند. اینان معتقدند که نظام تقسیم کار سنتی مبتنی بر اختصاص فعالیت های خانگی به زنان و فعالیت های اقتصادی ، اجتماعی و سیاسی بیرون از خانه به مردان در خدمت تثبیت قدرت و تسلط مردان بر زنان بوده است. یکی از عوامل تداوم تقسیم کار سنتی جنسیتی وجود و بازتولید تعاریف جنسیتی تأیید کننده ی تقسیم کار و نظام نقش های جنسیتی است. (ترنر، ۱۹۹۹: ۲۳۶)

تعاریف جنسیتی مجموعه ای از ایدئولوژی ها ، هنجار ها و باور های قالبی جنسیتی هستند که به مرور زمان از طریق فرآیند های مستمر اجتماعی از جمله جامعه پذیری و ایفای نقش شکل می گیرند و آن چنان قوت می گیرند که کلیه ی پذیرندگان آن را امری طبیعی ، دائمی و لازم قلمداد می کنند . برتری اقتصادی و اجتماعی مردان در سطح کلان و پذیرش تعاریف جنسیتی تنها در رقابت های کلان زن و مرد باقی نمی ماند ، بلکه به روابط خرد هم سرایت می کند . پذیرش این باور ها خصوصاً از سوی زنان شرایط ذهنی - شناختی فراهم می آورد که وضعیت فرودستی زنان را در روابط اجتماعی مقبولیت می بخشد. به این ترتیب مردان از این قدرت خود در روابط خانوادگی با همسرانشان استفاده می کنند. در این نظام زنان سعی می کنند خود را با تقاضا ها و نیاز های همسرانشان وفق دهند و قدرت تصمیم گیری ناچیزی دارند. (نبوی و احمدی، ۱۳۸۶ : ۶۰)

بررسی های مختلف در جوامع صنعتی به تفاوت های جامعه پذیری دختر ها و پسر ها در ریزه کاری های تربیتی و انتقال نگرش های خاص به دختر و پسر تأکید دارد. اما در جامعه ی ما مسئله خیلی فراتر از آن است. هنوز در مدارس الگوهای بسیار سنتی زنانه - مردانه به کودکان ارائه می شود. زن ها در کتاب های درسی به صورت عمده نقش مادر و به ندرت نقش معلم دارند .

محدوده ی زندگی دختر بچه ها ، کتاب های درسی ، خانه ، حیاط خانه و مدرسه است . در حالی که پسر ها به طور فعال در خارج از خانه مشغول به کار ، فعالیت و ورزش هستند . این تعداد تصاویر زن هم به طور عمده در کتاب های ابتدایی هستند در کتب درسی سال های بالاتر نقش زنان به موارد خیلی معدود و تقریباً به صفر می رسد. به این ترتیب مدارس ما تشدید کننده ی نابرابری های جنسی ناشی از خانواده هستند. با وجود کلیه ی انتقادات و بررسی هایی که در این مورد انجام گرفته ، و آموزش و پرورش نیز به ضعف خود در این زمینه معترف است هنوز اقدامی در جهت بهبود چگونگی ارائه نقش زن - مرد در مدارس صورت نگرفته است. (اعزازی ، ۱۳۷۶ : ۱۹۴)

« سیمون دوبووار » در کتاب مشهور خود « جنس دوم » تفاوت های جامعه پذیری دختران و پسران را با جزئیات کامل بررسی می کند ، به نظر او به سبب بر خورد و رفتار متفاوت اطرافیان ، دختر ها خیلی زود از جست و خیز های بچگانه دست بر می دارند و رفتاری زنانه پیدا می کنند در صورتی که پسران به نو آوری ، ابتکار و جست و خیز و حرکت تشویق می شوند . « بتی فریدان » نیز در کتاب « رمز و راز زنانه » به اجتماعی کردن دختران آمریکایی به خصوص در دوره ی بعد از جنگ دوم جهانی اشاره دارد او ملاحظه کرد که روندی که در جامعه آمریکای آن دوران (زمان چاپ کتاب ۱۹۶۳) به وجود آمد که الگو های ایده آل زن - خانه دار را تبلیغ می کرد ، زنی که صاحب خانه ای با باغچه ، شوهری که هر روز صبح به سر کار می رود و چهار فرزند (تعداد مطلوب فرزندان در زمان تحقیق) است . او به مشکلات این زن ایده آل یا بنا بر گفته ی فریدان « مشکل بدون نام » آن ها اشاره می کند . وی معتقد است ، این زنان هر چند که در الگوی ایده آل می گنجیدند و بر طبق نظر خود دارای همه چیز بودند اما مشکلی نهفته در درون خود داشتند که حتی خود نیز به علل آن آگاه نبودند . هر چند که شرایط امروزی آمریکا ، حد اقل به دلایل اقتصادی ، دیگر امکان زن - خانه دار و حومه نشین را نمی دهد ، اما شاید « مشکل بدون نام » هنوز در ایران برای زنان خانه دار - مادر صادق باشد. (همان منبع : ۱۹۲)

مردان به علت وجود ایدئولوژی مرد سالارانه و رواج باور های قالبی درباره ی توانایی ها و صفات زنان ، فرصت بیشتری برای به دست آوردن منابع مختلف دارند . برای مثال ، در فرهنگ مرد سالار مشاغل مهم با منزلت بالاتر و پر درآمد تر عمدتاً در اختیار مردان است و به زنان تعلق نمی گیرد . حتی در بسیاری از موارد این فرهنگ فرصت اشتغال ساده ی زنان را نیز سلب می کند .

با توجه به اینکه شهر اصفهان از جمله کلان شهرهای ایران است و زنان این شهر از نظر برخورداری از معیارهای توسعه ، دارای ویژگیهای دو گانه می باشند، از سویی در اکثر خانواده ها فرهنگ سنتی بر روابط اجتماعی حاکم است و از سویی دیگر با وجود حفظ سنتها و فرهنگ بومی از معیارهای توسعه یافتگی نیز برخوردارند بنابراین به نظر می رسد یافته های حاصل از بررسی موضوع تحقیق به میزان زیادی قابل تعمیم به سایر کلان شهرهای مشابه در ایران باشد.

این پژوهش با استناد به نظریات فمینیستی و جامعه شناسی در پی پاسخ گویی به سؤالاتی در خصوص تأثیر عقاید قالبی جنسیتی ، ایدئولوژی مرد سالاری و جامعه پذیری جنسیت بر نابرابری جنسیتی می باشد و با کمک تحلیل های آماری به بررسی موارد مذکور خواهد پرداخت.

۳-۱- سؤالات تحقیق

۱- موقعیت جامعه آماری مورد مطالعه بر روی مقیاس اندازه گیری سطح نابرابری جنسیتی کجاست؟

۲- آیا دارا بودن عقاید قالبی جنسیتی بر سطح نابرابری جنسیتی تأثیر می گذارد؟

۳- آیا پیروی از یک ایدئولوژی مردسالارانه با سطح نابرابری جنسیتی رابطه ای دارد؟

۴- آیا نوع جامعه پذیری جنسیتی با سطح نابرابری جنسیتی رابطه ای دارد؟

۴-۱- اهمیت موضوع

یکی از مسائل مهم جامعه شناسی معاصر نابرابری های اجتماعی است. این نابرابری ها ناشی از ویژگی های خاص افراد مثل جنس ، سن ، نژاد ، قومیت و مذهب اند . به این معنی که افراد جامعه به سبب جنسیت خاص (زن یا مرد) یا به علت قرار گرفتن در رده های سنی متفاوت یا